خبر

گلستان دومین استان پرخطر در شیوع مواد مخدر است

دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گلستان گفت: گلستان دومین استان پرخطر در شیوع مواد مخدر است. به گزارش مهر، محمدرضا روحانی فر در همایش تجلیل از فعالان امر پیشگیری و درمان اعتیاد در گرگان برگزار شد، اظهار کرد: در سال‌های گذشته ما هفته‌ای به نام هفته مبارزه با مواد مخدر در کشور داشتیم اما امسال یک ماه به پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر اختصاص داده‌شده است. وی بابیان اینکه بهزیستی پرچم‌دار پیشگیری از اعتیاد است، اظهار کرد: پیشگیری اولیه اعتیاد برای محیط‌های چهارگانه در دستور کار بوده و آموزش برای ۲۰۰ هزار خانواده در این زمینه انجام گرفت، در محیط‌های آموزشی نیز ۳۰۰ هزار نفر را آموزش دادیم. دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گلستان گفت: حدود ۲۵۰ میلیون معتاد در دنیا، دو میلیون و ۸۰۸ معتاد در کشور و حدود ۱۰۰ هزار معتاد در استان شناسایی شده‌اند. روحانی فر بابیان اینکه گلستان به‌عنوان دومین استان پرخطر در شیوع مواد مخدر است، اظهار کرد: آموزش پیشگیری از اعتیاد برای ۲۱۰ هزار نفر از عموم مردم شهری و روستایی در استان انجام شده است. وی بابیان اینکه کمیته‌ای برای بازرسی مستمر مراکز درمانی اعتیاد استان تشکیل شده است، افزود: نزدیک به ۱۰۰ نفر از ارگان‌های مختلف در این زمینه آموزش‌دیده‌اند و کادر متخصصی برای درمان و پیشگیری از اعتیاد در گلستان تشکیل شده است. دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر گلستان گفت: علی‌رغم دست آوردهای بزرگ بشریت در زمینه‌های‌اجتماعی،سیاسی،فرهنگی،اقتصادی و ... تهدیدات ناشی از آسیب‌های اجتماعی بر پیشرفت انسان‌ها سایه انداخته و رفاه را از آن‌ها سلب کرده است.

«»

تمام روستاهای گلستان تا سال ۹۷ گازرسانی می شود

رییس امور مهندسی و اجرای طرح های شرکت گاز گلستان گفت: در سال ۹۶ و ۹۷ تمام روستاهایی که امکان گازرسانی دارند را برنامه ریزی کرده تا عمیات گازرسانی به آن روستا ها انجام شود. محمد رحیم رحیمی در گفتگو با مهر اظهار کرد: گازرسانی تمام روستاهای گلستان که امکان گازرسانی دارند و در چارچوب ضوابط و بودجه های شرکت تهیه شدند را در برنامه داریم. رحیمی افزود: روستاهایی که مطابق ضوابط بودجه، تعدادشان کمتر از ۲۰ خانوار، روستاهای با هزینه گازرسانی بالا، آن هایی که در حریم خط انتقال هستند و یا در طرح کوچ و جابجایی قرار دارند در برنامه گازرسانی قرار نمی‌گیرند. وی اظهار امیدواری کرد: گازرسانی به صنایع استان نیز در دستور کار قرار گرفته است و امیدواریم که بتوانیم در سال ۹۶ اکثر واحدهای صنعتی را برنامه ریزی و گازرسانی کنیم.رحیمی در ادامه با اشاره به مشکلات گازرسانی در استان گلستان گفت: کد روستایی و قرار گرفتن در محدوده خط حریم خط انتقال اصلی گاز از مشکلات روستای گرگیج آباد شهرستان مینودشت است.وی بیان کرد: در همین راستا در سال ۹۰ هماهنگی های توسط نمایندگان مجلس و مسئولان وقت انجام شده بود تا مجوزهای لازم را برای تعویض ضخامت خط انتقال کسب کنند و حریم آن از ۲۰۰ متر کاهش دهند.

«»

حفاران غیر مجاز آثار تاریخی در گنبدکاووس دستگیر شدند

حفاران غیر مجاز آثار تاریخی و فرهنگی در شهرستان گنبد کاووس دستگیر شدند. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی و امور فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری گلستان، سه نفر از حفاران غیر مجاز آثار تاریخی و فرهنگی در حومه روستای کرند، از توابع بخش مرزی داشلی برون شهرستان گنبدکاووس، توسط نیروهای هنگ مرزی اترک دستگیر شدند. روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان گلستان در این گزارش آورده است: دو نفر از افراد دستگیر شده از اهالی شهرستان گمیشان و یک نفر نیز از اهالی روستای کرند شهرستان گنبد بودند که حین حفاری غیرمجاز دستگیر شدند.

گندم کاران گلستان در انتظار

الهه رمضان پور-همه ساله با فراسیدن فصل برداشت گندم، تیتر روزنامه ها و سایت های خبری از خرید تضمینی گندم، معرفی بانک عامل خرید تضمینی گندم و ... خبر می دهد.درست قبل از برداشت گندم همه چیز مرتب و سازماندهی شده است و براساس خبرهای منتشره بانک عامل خرید تضمینی گندم آماده برای پرداخت مطالبات کشاورزان است.تیترها و خبرهایی که کشاورزان با شنیدن آن ها بسیار خرسند می شوند؛ تیترهایی همچون آغاز خرید تضمینی گندم از کشاورزان، بانک عامل برای خرید تضمینی گندم از کشاورزان مشخص شد، پول گندم تضمینی همزمان با خرید پرداخت می شود، بیش از یک میلیون تن گندم در استان گلستان خریداری شد، تمهیدات لازم برای خرید به موقع از کشاورزان فراهم شده است، پرداخت مطالبات کشاورزان به‌زودی و ....

همه چیز قبل از برداشت گندم، گل و بلبل است و دولت و مدیران استانی آماده برای خرید تضمینی گندم از کشاورزان و پرداخت مطالبات آنان هستند اما درست بعد از برداشت گندم و موقع پرداخت مطالبات کشاورزان که می شود همه چیز به هم می ریزد و این کشاورزان هستند که می بایست تاوان بی برنامگی های دولت و مدیران استانی را بپردازند.نزدیک به یک ماه از برداشت محصول گندم در استان گلستان می گذرد و هنوز بیش از ۸۰ درصد از کشاورزان استان، مطالبات خود را دریافت نکرده اند.

کشاورزان در تامین مایحتاج خود مشکل دارند

عسگری از دهیاران روستای قلی آباد می گوید: نزدیک به یک ماه از برداشت گندم می گذرد اما تاکنون هیچ یک از کشاورزان روستای ما، مطالبات خود را دریافت نکرده اند.وی افزود: با توجه به اینکه کشاورزان از راه کشاورزی امرار معاش می کنند تاخیر در پرداخت مطالبات آنان باعث شده است اکثر کشاورزان در تامین مایحتاج خود دچار مشکل شوند.خانوزی از روستای نوده ملک در این رابطه می گوید:کشاورزان در حالی خود را برای کشت دوم آماده می کنند که هنوز مطالبات خود از کشت اول را دریافت نکرده اند.وی افزود:کشت محصول دوم و آماده سازی زمین برای کشاورزان هزینه بر است و با توجه به اینکه مطالبات کشاورزان تاکنون پرداخت نشده است، اکثر کشاورزان را با مشکل مواجه ساخته است. سپهری از روستای نودیجه در این رابطه می گوید: همه ساله شاهد این بی برنامگی ها از سوی دولت هستیم و دیگر کشاورزان به این بی برنامگی ها عادت کرده اند.

وی ادامه داد: بیش از یک ماه از برداشت گندم می گذرد اما هنوز بهای دسترنج خود را دریافت نکرده‌ایم.به گفته وی؛ اگر مدیران از سختی ها و مشقت حرفه کشاورزی خبر داشتند حتی یک روز در پرداخت مطالبات کشاورزان درنگ نمی کردند.

وعده های بی اساس مدیران!

دیگر گوش همه کشاورزان از وعده های بی اساس مدیران پر شده است.رئیس جهاد کشاورزی استان وعده می دهد که بزودی مطالبات کشاورزان پرداخت می شود. وعده ای که اکنون نزدیک به ۲۰ روز از آن گذشته است و تاکنون محقق نشده است.مختار مهاجر اعلام می کند که پیگیر مطالبات کشاورزان است و در روزهای آتی مطالبات گندم کاران پرداخت خواهد شد!!اما این وعده هم، همچون وعده های دیگر برخی مدیران بی ثمر بوده است و تاکنون کشاورزان نتوانسته اند به مطالبات خود دست یابند.

پرداخت پول کشاورزان به زودی!

پرداخت پول کشاورزان به زودی ، تنها جمله ایست که این روزها بسیار، از زبان مدیران استانی می شنویم. اما هنوز مشخص نیست منظور مدیران استان از « پرداخت پول کشاورزان به زودی» چه زمانی است؟!

مدیرکل غله و خدمات بازرگانی استان گلستان در مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگار از خرید بیش از یک میلیون تن گندم از کشاورزان خبر داد، از اینکه در سالجاری تعداد مراکز خرید افزایش یافت، از اینکه با افزایش مراکز خرید دیگر شاهد صف‌های طولانی تحویل گندم در مقابل مراکز خرید نبودیم و ... اما گزارشی در ارتباط با میزان پرداختی به کشاورزان و تاخیر در پرداخت مطالبات کشاورزان، ارائه نکرد.هرچند که حمید رضا علی محمدی معتقد است؛ شرکت غله و خدمات بازرگانی موظف به خرید محصول گندم و جو از کشاورزان می باشد و نقشی در ارتباط با چگونگی و نحوه پرداخت مطالبات کشاورزان ندارد اما پیگیر مطالبات کشاورزان استان است.وی که همچون دیگر مدیران استان از پرداخت پول کشاورزان به زودی خبر می داد، افزود: پرداخت پول گندم‌کاران در کشور به صورت متمرکز و براساس زمان تحویل محصول به مراکز خرید داده می‌شود.آنچه در این گزارش از سوی مدیران استانی اعلام شد در حد وعده به کشاورزان بود اما متاسفانه زمان دقیقی برای پرداخت مطالبات کشاورزان و گندمکاران اعلام نشد. تراژدی که همه ساله شاهد تکرار آن هستیم و پاسخ های تکراری و بی ثمر از سوی مدیران استان که دردی از کشاورزان دوا نمی کند.

جشنواره سفره ایرانی فرهنگ گردشگری در گلستان برگزار می شود

با همکاری اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان جشنواره سفره ایرانی، فرهنگ گردشگری در گلستان برگزار می شود. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی و امور فرهنگی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گلستان، ابراهیم کریمی گفت: جشنواره سفره ایرانی، فرهنگ گردشگری با حضور هنرمندان چهار استان شمالی کشور شامل گلستان، مازندران، گیلان و قزوین با پخت انواع غذاهای سنتی و محلی ایرانی از یازده الی ۱۳ مرداد ماه ۱۳۹۶ به‌مدت سه روز در گلستان به میزبانی شهرستان گرگان برگزار خواهد شد. ابراهیم کریمی با اشاره به اینکه برگزاری جشنواره ایرانی فرهنگ گردشگری فرصتی مناسب برای احیای غذاهای سنتی ایرانی است گفت: غذای ایرانی در حوزه فرهنگی و تمدنی ما از جایگاه خاص و مهمی برخوردار است و به‌دلیل تنوع اقلیم و طبیعت، تنوع غذایی زیادی در کشور ما وجود دارد که جشنواره سفره ایرانی، فرهنگ گردشگری فرصت مناسبی برای معرفی این گنجینه ارزشمند است. وی افزود: پرداختن به آداب پخت غذای سنتی و اصیل ایرانی سبب حفظ میراث ناملموس و همچنین احیا و معرفی این غذاها با گردشگران داخلی و خارجی می‌شود. کریمی درباره اهداف برگزاری این جشنواره گفت: ترویج فرهنگ غذاهای بومی و منطقه‌ای استان‌ها، ترویج سفره‌های ایرانی و احیای دوباره فرهنگ استفاده از غذاهای بومی هر منطقه و ترویج طبخ و ارائه غذاهای سنتی هر شهر و استان از اهداف این جشنواره است.

کشت آفتابگردان در گلستان توسعه می یابد

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: کشت آفتابگردان در گلستان توسعه می یابد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی سازمان جهاد کشاورزی گلستان، سهراب سهرابی گفت: یکی از سیاست های وزارت جهاد کشاورزی خود اتکایی ۷۰ درصدی روغن وکنجاله است و در همین راستا حمایت از توسعه کشت و تولید دانه های روغنی سرلوحه جهاد کشاورزی گلستان قرار دارد. وی افزود: امسال سطح قرارداد آفتابگردان در گلستان دو هزار و ۱۷۴ هکتار و سطح زیر کشت آن دو هزار و ۱۶ هکتار بوده است. سهرابی گفت: تا کنون ۱۲ هزار و ۸۰۰ کیلو از بذرهای هیبرید، op وارداتی و تولید داخل بین بیش از ۵۰۰ نفر از کشاورزان آفتابگردان کار گلستانی توزیع شده است. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان خاطرنشان کرد: دانه آفتابگردان یکی از با ارزش ترین دانه های روغنی است و روغن آفتابگردان در حدود ۳۰ درصد کل روغن های نباتی تولید شده در جهان را تشکیل می دهد. سهرابی ادامه داد: مقدار روغن در دانه های آفتابگردان به طور متوسط ۴۰ درصد است که در مقایسه با میزان ۱۷ درصدی آن در سویا و تخم پنبه بسیار بالا است. وی تصریح کرد: روغن آفتابگردان در بسیاری از مناطق جهان انتخاب برتر مصرف کنندگانی است که رژیم غذایی سالم تر را ترجیح می دهند. وی یادآور شد: تخم آفتابگردان بسیار مقوی است و دارای ۲۴ درصد مواد پروتئینی، ۴۷ درصد روغن، ۲۰ درصد مواد هیدروکربن، هشت درصد فسفر و ۹ درصد پتاسیم است.

خبر

انتخاب‌مدیر عامل نمایشگاه های بین المللی گلستان به عنوان عضو اصلی انجمن نمایشگاه های ایران

مدیر عامل نمایشگاههای بین المللی گلستان بعنوان عضو اصلی هیات مدیره انجمن نمایشگاههای ایران انتخاب شد. به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل نمایشگاههای بین المللی گلستان انتخابات ششمین دوره هیئت مدیره انجمن نمایشگاههای ایران در محل اتاق بازرگانی ایران جهت انتخاب اعضای هیئت مدیره این انجمن برگزار شد . براساس این گزارش پس از برگزاری جلسه انتخابات ، ارائه برنامه ها ، راهکارها و پیشنهادات توسط اعضای نامزد شده که شامل مدیران عامل نمایشگاههای بین المللی استانهای مختلف بودند ، نامزدهای استانهای ارومیه ، خوزستان ، گلستان ، چهارمحال و بختیاری و لرستان بعنوان منتخبین اصلی هیئت مدیره دوره ششم مشخص گردیدند . با توجه به انتخاب مهندس یزدی ، مدیر عامل نمایشگاههای بین المللی استان گلستان بعنوان یکی از اعضای اصلی هیئت مدیره این انجمن و حضور در سطوح بالای مدیریتی در زمینه تصمیم گیری های کلان در عرصه صنعت نوپای نمایشگاه امیدواریم شاهد اتفاقات خوب در زمینه برگزاری نمایشگاههای استاندارد در سطح کشور و به طور ویژه در استان گلستان باشیم که بالطبع تحقق این امر باعث پیشرفت و گسترش صنعت ، تولید و تجارت خواهد شد.

«»

دانشگاه علوم پزشکی ناظر اصلی بی خطر سازی پسماندهای پزشکی گلستان است

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان گفت:دانشگاه‌علوم‌پزشکی متولی اصلی نظارت بر فرآیند بی خطر سازی پسماندهای پزشکی استان گلستان است. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی استانداری گلستان، محمد حمیدی اظهار کرد: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان به عنوان متولی اصلی کار در کنار دیگر ناظرهای قانونی از جمله محیط زیست و سازمان مدیریت پسماند، وظیفه کنترل و نظارت مستمر را در این حیطه بر عهده دارد. حمیدی با اشاره به وجود برخی نواقص در خصوص بی خطر سازی زباله های عفونی در گلستان، افزود: مدیریت پسماندهای عفونی و پزشکی، مانند بیمارستان ها، آزمایشگاه ها و درمانگاه ها تا مرحله تبدیل آن به پسماند عادی با تولید کنندگان آن است. وی خاطرنشان کرد: پسماندهای پزشکی تا قبل از مرحله بی خطر سازی از طریق دستگاه های اتوکلاو ، هیدروکلاو یا زباله سوز و یا هر روش مورد تائید دیگر بر عهده تولیدکنندگان میباشد. مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری گلستان تصریح کرد: از دانشگاه علوم پزشکی انتظار داریم در این خصوص و دیگر مباحث تخصصی جدی تر و با سخت گیری های بیشتری عمل کند.حمیدی در خصوص موارد ابهامی که برای بیمارستان ها، آزمایشگاه ها، درمانگاه ها و مطب ها در این خصوص پیش می آید، گفت: از دانشگاه علوم پزشکی انتظار داریم که هماهنگ با دستگاه های حاکمیتی ذی مدخل و در راستای سیاست گذاری های کلان استان گلستان درخصوص تمرکز واحد در مدیریت پسماندها با توجه به مشکلات پیش روی استان های ساحلی کشور از جمله گلستان این ابهام ها را برطرف نماید.

«»

احتمال آب گرفتگی معابر با ورود سامانه بارشی به گلستان

مدیرکل هواشناسی استان گلستان گفت: با ورود سامانه بارشی به استان گلستان طی روزهای آینده، آب گرفتگی معابرو بالا آمدن آب رودخانه ها را شاهد خواهیم بود.نور بخش داداشی در گفتگو با مهر، ضمن اشاره به ناپایداری هوا استان گلستان در روزهای اخیر اظهار کرد: تا روز دوشنبه ناپایداری هوا در بعدازظهر و شب در گلستان ادامه خواهد داشت. داداشی افزود: از اواخر عصر دوشنبه و مخصوصا بامداد سه شنبه با افزایش بارش مواجه خواهیم بود.نوربخش داداشی ادامه داد: افزایش بارش در روز سه شنبه با آب گرفتگی معابر و بالا آمدن آب رودخانه ها همراه خواهد بود.وی تصریح کرد: این سامانه تا روز چهارشنبه ادامه خواهد داشت.

»آگهی‌های ثبتی

آگهی قانون تعیین تکلیف‌وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی سری دوم و سوم سال ۱۳۹۶

دراجرای ماده۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳-آیین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می دارد که پرونده هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده اند دردو نوبت و به شرح ذیل آگهی می شود:

۱-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۲۶۴ پرونده کلاسه۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۳۶۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم محمد بیکی فرزندغلامعلی به شماره شناسنامه۱۱۶۶دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت۲۴۲/۸۶ مترمربع از اراضی دلندجدا شده از پلاک ثبتی شماره۲/۱۳۶-اصلی واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از رجبعلی زارعی.

۲-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۲۶۶ پرونده کلاسه۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۱۰۵ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم مرضیه جعفری کلوکن فرزند علی اکبربه شماره شناسنامه ۱۳دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت۲۱۸/۲۷ مترمربع از اراضی خان ببین جدا شده از پلاک ثبتی شماره ۷/۱۱۲۰-اصلی واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از نعمت جعفری.

۳-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۲۶۹ پرونده کلاسه۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۴۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم حسین بای فرزند رستم به شماره شناسنامه ۴۱۲دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت۶۶/۹۷ مترمربع از اراضی رامیان جدا شده از پلاک ثبتی شماره ۱/۳۲۰۸-اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از آقای محمد رضا و صنمبر منتظری.

۴-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۲۷۱ پرونده کلاسه۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۱۸۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم ابراهیم سنچولی فرزند گلزاربه شماره شناسنامه ۳۷۸دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۴۰۶/۲۵ مترمربع از اراضی خان ببین جدا شده از پلاک ثبتی شماره۷/۱۰۳۶-اصلی واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان .

۵-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۲۷۳ پرونده کلاسه۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۸۳ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم مجتبی اسفندیاری فرزندعیدی محمدبه شماره شناسنامه ۱۰۸دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت۲۲۲ مترمربع از اراضی خان ببین(کلوکن)جدا شده از پلاک ثبتی شماره۶/۲۴۱-اصلی واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از بانوملکی اسفندیاری.

۶-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۲۷۵ پرونده کلاسه ۱۳۹۱۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۲۴۰ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم جان بی بی بارانی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۵۹۷دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت۱۶۵/۸۳ مترمربع از اراضی خان ببین جدا شده از پلاک ثبتی شماره۷/۱۳۳۹-اصلی واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از محمد بیانی.

۷-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۳۲۹ پرونده کلاسه۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۱۶ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم سید حمید امیر کلالی فرزند سید غلامرضا به شماره شناسنامه ۴۱۷۶ دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۰۰/۱۰ مترمربع از اراضی خان ببین جدا شده از پلاک ثبتی شماره ۷/۱۲۸۴-اصلی واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از نعمت جعفری.

۸-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۳۳۱ پرونده کلاسه۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۴۲ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم محمد مشالگردی فرزند ذبیح اله به شماره شناسنامه ۲۲ دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۳۲/۹۲ مترمربع از اراضی خان ببین جدا شده از پلاک ثبتی شماره ۷/۱۱۲۰-اصلی واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از حسین اسماعیلی.

۹-رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۴۰۱ پرونده کلاسه۱۳۹۴۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۵۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم نظامعلی منصوری رضی فرزند گل محمد به شماره شناسنامه ۱ دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۲۸/۲۹ مترمربع از اراضی رامیان(زینب آباد) جدا شده از پلاک ثبتی شماره ۱/۳۵۱۱-اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از ورثه مرحوم یداله میرعرب.

۱۰- رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۴۰۶ پرونده کلاسه۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۰۱۱ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم یداله ذبیحی خرق فرزند عبداله به شماره شناسنامه ۲۲ دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۴/۹۴ مترمربع از اراضی رامیان(زینب آباد) جدا شده از پلاک ثبتی شماره ۳/۳-اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از عیسی سمیعی.

۱۱- رأی شماره۱۳۹۶۶۰۳۱۲۰۱۰۰۰۰۴۰۸ پرونده کلاسه۱۳۹۳۱۱۴۴۱۲۰۱۰۰۰۰۲۲۴ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای/خانم غلام سارانی فرزند قجر به شماره شناسنامه ۳۸۸۹ دائر بر صدور سند مالکیت ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۶/۷۹ مترمربع از اراضی رامیان(زینب آباد) جدا شده از پلاک ثبتی شماره ۱/۳۵۲۰-اصلی واقع در بخش ۸ حوزه ثبتی رامیان مع الواسطه از آدینه محمد بای.

در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد.در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است.در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود،صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

م. الف: ۸۲۰۱

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۳۹۶/۰۴/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۳۹۶/۰۵/۰۴
بهمن سارلی/رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان

»آگهی‌های ثبتی

پیشنویس آگهی ثبت تأسیس

-موضوع موسسه: انجام امور مشاوره حقوقی و داوری و وکالت از طریق وکلای دارای پروانه وکالت معتبر در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات فعالیت پس از اخذ مجوزهای لازم(ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.)

-مدت موسسه: از تاریخ ثبت بمدت نامحدود

-مرکز اصلی موسسه: گلستان،شهر گنبدکاووس ،شریعتی ،خیابان شریعتی ،خیابان اروند رود ،پلاک ۰ ،طبقه همکف ،کدپستی: ۴۹۷۱۷۳۸۷۳۳

-سرمایه موسسه: مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد .

-اولین مدیران موسسه :

۱ . محمدجواد کریمیان پور به سمت رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۲۰۲۰۳۱۳۴۲۱ دارنده ۳۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه ۲ . سمانه کریمیان پور به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۰۰۷۹۸۲۲۴۵۲ دارنده ۳۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه ۳. فرشته کریمیان پور به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره به شماره ملی ۲۰۳۱۷۴۳۲۲۸ دارنده ۴۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه برای مدت نامحدود انتخاب گردیدند .

-دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور موسسه از قبیل چک-سفته-برات-قراردادها عقود اسلامی با امضاءرئیس هیئت مدیره همراه با مهر موسسه معتبر می باشد و اوراق عادی با امضاء رئیس هیئت مدیره همراه با مهر موسسه معتبر می باشد.

-اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه

این مستند به منظور بررسی صحت محتویات سند تنظیمی به استناد صورتجلسه تنظیمی و ابرازی متقاضی صادر و اعتبار دیگری جهت ارائه به هیچ دستگاه و نهادی ندارد و حداکثر اعتبار آن یکماه از تاریخ صدور می باشد.

تذکر ۱:
جهت ثبت نهایی این مستند صرفاً شخصی که در سامانه به عنوان امضاء کننده دفاتر معرفی شده است می تواند به مرجع ثبت شرکتها مراجعه نماید و از پاسخ به سایر اشخاص شخصیت حقوقی که دارای سمت نبوده خود داری میگردد
تذکر ۲ :
پس از تأیید مندرجات این پیش سند ذی سمت می تواند جهت پرداخت های قانونی برابر راهنمای سامانه اقدامات لازم را بعمل آورد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری گنبد کاووس

آگهی مزایده اموال غیر منقول

۱ ـ ششدانگ عرصه یک قطعه زمین محصور دارای پلاک ۴۶۷۳ فرعی از یک اصلی مجزی شده از ۹۴۷ فرعی از اصلی مذکور بمساحت ۱۹۲/۰۷ واقع در بخش یک ثبت بندرگز ذیل ثبت ۱۰۴۳۶ صفحه ۳۷ جلد ۵۵ بنام آقای علی اکبر خالصی فرزند محمدعلی، ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است. با حدود و اربعه: شمالا به دیوار بطول ۱۹/۱۰ متر(نوزده متر و ده سانتیمتر) به پلاک ۳۵۹۱ فرعی از ۹۴۷ فرعی از یک اصلی شرقا پی است بطول ۱۰/۲۵ متر(ده متر و بیست و پنج سانتیمتر) به کوچه جنوبا پی است بطول ۱۸/۸۰ متر (هیجده متر و هشتاد سانتیمتر) به حریم رودخانه غربا به دیوار بطول ۱۰/۱۰ متر (ده متر وبیست و ده سانتیمتر) به پلاک ۲۷۷۵ فرعی ۲ ـ ششدانگ اعیان یکباب خانه پلاک ۴۲۲۸ ـ اصلی بمساحت ۱۹۲/۰۷ مترمربع واقع در بخش یک ثبت بندرگز که ذیل ثبت ۱۲۹۲۳ صفحه ۳۴۲ جلد ۵۸ بنام آقای علی اکبر خالصی فرزند محمدعلی ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است با حدود اربعه؛ شمالا به دیوار بطول ۱۹/۱۰ متر(نوزده متر و ده سانتیمتر) به پلاک اعیانی ۲۸۱۸ ـ اصلی شرقا درب و دیوار بطول ۱۰/۲۵ متر(ده متر وبیست وپنج سانتیمتر) به کوچه جنوبا پی است بطول ۱۸/۸۰ متر (هیجده متر و هشتاد سانتیمتر) به حریم رودخانه غربا به دیوار بطول ۱۰/۱۰ متر (ده متر و بیست و ده سانتیمتر) به پلاک اعیانی ۱۸۴۶ ـ اصلی تمامت عرصه و اعیان فوق برابر سند رهنی شماره ۱۲۷۹۰۶ ـ ۱۳۹۴/۱۱/۲۴ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره ۳ ـ بندرگز در رهن بانک ایران زمین شعبه بندرگز قرار گرفته که به علت عدم پرداخت بدهی منجر به صدور اجرائیه و تشکیل پرونده به کلاسه ۹۵۰۰۰۷۲ در اجرای ثبت بندرگز گردید. برابر گزارش کارشناس منتخب، مشخصات اعیان مورد رهن بدین شرح است: بنای احداثی بصورت دوبلکس با نمای بیرونی سرامیک و پوشش سقف ایرانیت و کف موزاییک می باشد. دارای قدمتی حدود ۱۵ سال بوده و در مجاورت حریم رودخانه می باشد. دارای اشتراکات آب ـ برق ـ گاز و تلفن ثابت بوده و در حال حاضر در تصرف مستاجر است. مورد وثیقه فوق در نشانی : بندرگز ـ کوی حاج رضا محلیه دانش ۱۰ کدپستی ۴۸۷۱۸۵۸۴۹۵ قرار گرفته است. با توجه به اصلاح ماده ۳۴ قانون ثبت، تمامت (عرصه و اعیان) ملک مورد رهن توسط کارشناس رسمی دادگستری بمبلغ یک میلیارد و سیصد و چهل و چهار میلیون و چهارصد و نود هزار ریال (۱/۳۴۴/۴۹۰/۰۰۰ریال) ارزیابی گردید. نتیجه ارزیابی در قالب اخطاریه بطرفین پرونده ابلاغ شد که بعلت عدم وصول اعتراض، ارزیابی فوق قطعی گردید. بدهی بابت حق الاشتراک یا حق انشعاب و مصرف و بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده و یا نشده برعهده برنده مزایده می باشد، جلسه مزایده از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز یکشنبه مورخه ۱۳۹۶/۵/۱۸ در واحد اجرای اسناد رسمی بندرگز تشکیل و از مبلغ ارزیابی شروع به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته خواهد شد، ضمنا تنظیم سند انتقال اجرایی منوط به ارائه مفاصا حساب شهرداری و دارایی و.... خواهد بود.

حجت اله تجری ـ رییس ثبت اسناد و املاک بندرگز م.الف ۴۱۱

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

نقد روزه سکوت

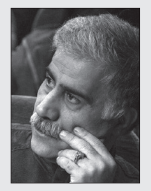

علی جهانگیری

گویند شب آبستن و این است عجب
کو مرد ندید از چه آبستن شد

اگر بتوانیم طنز را تعلیق موقعیت های جدی بدانیم جدای از اینکه تبسمی در گوشه لبمان بنشاند یا ما را وادار به فشندن اشکی کند. هر چه هست همواره ابزاری بوده برای گریز از هنجار های مرسوم و متداول در نگاه و زبان. می توان گفت طنز هنجار های متداول در زبان و نگاه را هدف می گیرد و با خروج هایی که انجام می دهد به یکی از راهکارهای قدرمند ادبیان و شاخه های وابسته به آن تبدیل شده . به هر شکل طنز ، چالشی جدی است که نمی توان آن را در حد یک تکنیک پایین آورد مثلا در ردیف استعاره گذاشت. پا را آن سو تر و خیلی آنسوتر می گذارم و شناخت شناسی و هستی شناسی گوینده و شنونده را درگیر می کند، ذهن را غلغلک میدهد در حد آزار. برای همین گاهی زهرخند گاهی تبسم. می گویم هستی شناسی، زیرا به تماشای مناظر پشت پنجره قانع نیست. موقعیتی ثابت در جغرافیای ذهن نیست. پنجره را باز می کند و شاهد را به مشهود تبدیل می نماید، به همان اندازه که تاشا می کنی در حال تماشا شدنی. طناز حکیم نیست طلخک است، هندوانه اباجهل است، طناز با کنار گذاشتن بزرگی ما را به بزرگی و معرفت شناسی این نگاه می رساند. بزرگی فرمود: کسی سپری تازه خرید و به جنگ رفت. دشمن سنگ می انداخت، به سر و روی مرد فرود می آمد. بانگ زد: ای کوردلان سپر به این بزرگی نمی بینید که سنگ بر سرم می کوبید!! می خواهم بگویم استفاده از موقعیت طنز ما را در موقعیت سنگسار شدن نیز قرار می دهد. هم ما را به عنوان مولف و هم ما را به عنوان مخاطب و در بیشتر موارد همان طور که گفتم طنز گریز از هنجار و امر جدی است و گاها ستیز، چالش. خصوصا در گرایش هایی که پس از پست مدرن در ادبیات رایج شده است طنز بخش بزرگی از مولفه ها شده و شاید بتوان گفت مهم ترین گزینه. به گمانم با شکافتن عمق لایه های طنز در هر مولف می توان تا حدود زیادی فرق گذاری داشت در هستی شناسی مولفین مختلف حداقل در ادای طنز به عنوانک نگاه به هستی شناسی و طنز به مثابه لودگییا تکنیک هر چند هیچ کدام را انکار نمی کنم و هر سمتش پایگان های خود است. در کتاب نصرتی، به گمانم طنز نقشی بیشتر از یک تکنیک را پذیرفته است و باز هم به گمان من به همین دلیل از لودگی تن زده است. ولی وجود مایه های طنز مرا وادار می نماید که این متن را در همین راستا ارزیابی نمایم. بسیارند شاعرانی که از امثال حکم و ایجاد موقعیت هایی وارونه ، متضاد و لوده استفاده نموده اند. بیایید از همین نگاه پیش برویم

« به پاکت خیس سیگار / که نَه غاز همسایهیک پا داشت » (۲۳)

« از تمام دنیا فقط دیواری هستم/ که با کلی راز پشت پرده حرفی به میانمان نمی آورد/ نمی دانم کی می خاهد / سنگ هایش را با من وا بکند» (۳۳)

«آخر آبت نبود نانت نبود / چرا با آنها رفتی / گیر دو شاخک روی سرت بودی؟ » (۴۴)

همین کار را با مصطلحات نیز می کند :

«این بار من جای زمین دهن باز می کنم/ خاک می خورم/ خاک/ بی آنکه مرده باشم» (۱۳)

« مادرم زمینی نبود / پا به ماه که گذاشت/ پسری عجیب به دنیا آورد/ لخت مادر زاد/ به ماه نمی ماند» (۳۸)

پایگان اجتماعی طنز همواره بالاترین بسامد را داراست، همان رویکردی که به گمان می تواند بین طنز و لودگی تفاوت بسیار ایجاد کند:

« مادر بزرگ ها پُلیور را بهتر می بافند / راهبه ها به یکدیگر فکر می کنند/ و دیوانگان و فلاسفه هر دو پیام آورند/ لعنت به آنها / که به نهال کاشتن سیاستمداران نمی شود اعتماد کرد/ و به حقیقتی جز مرگ نمی توان لبخند زد» (۲۶)

هر چند ممکن است در این رویکرد ها به واسطه نحوه ارائه تکنیک به شعار نزدیک شویم:

« و به یاد خواهم سپرد که مرگ/ از عادت همیشگی هم دقیق تر است»(۱۶)

گاهی نیز به کار کاویدن خودمان می آید حس درون را پرتاب می کند به همان که پیش روی چشم ماست جدای از بار تاویلی بعضی واژه ها:

« خسته ام/ آنقدری که زنان یائسه در من کاموا می بافند» (۱۳)

« من / گربه ای که آنقد کاموای مادربزرگ /با او ور رفت / کلافه شد» (۲۵)

استفاده از تلمیح از روزگاران دور رایج بوده شاید به این خاطر که بار اصلی ماجرا را به دوش مخاطب می گذارد. در شعر های سهیل این تلمیحات نیز به کار طنز آمده است و شاید از همین روست که اکثر آنها از حوزه ادبیات کودک و نوجوان انتخاب شده است، انگار می خواهد ما را به سادگی و نگاه و در لایه ای عمیق تر به پیچیدگی زیست کودکانه دعوت کند. و به گمان من همان باری را که از امثال حکم می کشد از تلمیح نیز کشیده‌است:

« سوگند به دست های تو سیمین/ که تنها لوبیا پلوی تو سحر آمیز است» (۹)

« بادبان ها را سربلند تر کشیدند/ برای ناخدای پاچوبی» (۲۴)

و گاهی همین نگاه کودکانه را به اندازه ی تمام هستییک انسان گسترش می دهد:

« کاش تمام درد ها / قد شکسته شدن نوک مدادمان بود» (۲۹)

گاه بار یک شعر به تمامی می گذارد به گردن یک بازی، یا کودک نمایی که نمونه های بسیاری از آن می توانییافت:

« اتل متل توتوله / گاو ما که مرد/ خودش را به چاه انداخت/ پدرم/ هاچین و واچین/ یک پام را ورچیدم از/ بیراهی بافتنی نیمه کار مادر/ دلش پر از اسفند» (۳۴)

و مواردی را هم می توان یافت که طنز به سادگی به کار تعلیق آمده است:

« کاش از دنیا/ همیشه کمی باقی مانده باشد/ تا بتوانم از دروغ هایم بگویم/ که حلقه نامزدی ات را من فروختم» (۱۰)

بازی های زبانی هر چند وابسته به سجع و جناس که به گمان من بیشتر به کار ریختار آمده ولی هست و البته نه در سهیل ، که در اکثر شاعران جوان نمود خود را دارد. دوست دارم بگویم ای کاش می شد از دل همین ها یک رپ درآورد:

« تب و تاب شومینه کدخدا/ سقف چوبی خانه ما بود/ از خدا بی خبر/ نمی دانست دهکده خالی/ کدخدا نمی خواهد»(۱۲)

هر چند نمی خواهم در کارهای سهیل به مساله زبان بپردازم ولی استفاده از زبان کوچه و بازار و عامه در راستای همان بازی های زبانی دیدم که گفتم. ناچارا می گویم و نقش آنهار ا به عنوان خارج نمودن زبان از هنجار ادبی پر رنگ تر یافتم تا ایجاد تعلیق و طنز:

« استکان چای بهم بکوبیم/ به اخم و تخم کاغذ/ دری وری تحویل بدهیم» (۱۸)

« عین بچه ها نمی توانم روی پاهایم بایستم / به احتمال زیاد چشمانت سگ دارند » (۱۰۰)

نام گذاری شعر ها به گمانم می توانست نباشد، هر چند شعر هایی هم هست که نام آنها بخشی از شعر است و حتی به کار خوانش مجدد شعر آمده، مثل شعر « زمستان سر زای شومینه ها می میرد» ولی در خیلی از کارها نامگذاری کمک نکرده مثل شعر زیبای «مراد».

چند شعر را می توان جداگانه بررسی کرد، در این شعر ها اصلا کودکی نمی کند، طنز هست ، ولی گزنده، زیرا به گمان من به شدت درگیر نوستالژی زیست شاعر است، شاید همان نوستالژی هایی که سهیل نصرتی را شاعر تر کرد، شعری همچون « شیلات» کاملا ساخت گراست، تعلیق نمی دهد ، با نگاهی مدرن و حساس به پیرامون، و البته دردناک:

« با اینکه دو زیست نبودیم/ نا خاسته ناخدای لنج های بی برگشت شدیم/ ...(/ ندانستیم وقتی طوفانی غارتگر/ شکم دریا را خالی کند/ ماهیان مرده را خاهد خورد» (۳۷)

شیطنت هم کرده ام در این نگاه ها ، مثلا فکر کردم ابتدایک شعر را که اتفاقا طنز هم هست بردارم:

« نگذاشتند لی لی به لالام/ صدای گریه می داد» (۴۷)

این را برداشتم و ناگاه آنچه ماند شعری غنایی شد با زبانی نو و ساختی زیبا، انگار یک بار شعر سروده شده به عنوان یک اثر فاخر هنری، و سپس با اضافه شدن لایه های طنز به تعلیق همان شعر پرداخته است، ادامه اش را بخوانیم:

« با زبان آن دنیا آمد/ از تن زنی زیبا که به دهکده رانده شد/ ابرآواره ای بود که ترسش از ریختن/ ریخت/ من آنقد مه ام که خودت را گم کردی/ آنقد ماه که زمین را بزرگتر که می شد/ با گله ای وحشی به دهکده ها سر می زد» (۴۷)

نگاهی به ماهی و جفتش

گیسو مقداری- نگاهی به ماهی و جفتش اثری از ابراهیم گلستان

نگاه ابراهیم گلستان داستان‌نویس را نمی‌توان از نگاه گلستان مترجم و فیلم‌ساز جدا دانست. اینها هر سه در وجود او به‌رقابتند و هر آن که گلستان قلم به دست می‌گیرد، بالاوپایین می‌پرند و از روی سر هم رد می‌شوند و حتی همدیگر را بی‌رحمانه کنار می‌زنند تا زودتر خود را برسانند پیش چشم خوانندهٔ بی‌خبر از همه‌جا، که آسوده متن را دست گرفته و نمی‌داند وارد چه کارزاری شده‌است. البته اینها هر سه ویژگیها و دغدغه‌های مشترکی دارند. کوتاه بگوییم که هر سه مدرنند و فرم‌گرا، و دارای نگاه و نثر و زبان فاخری که تمام‌وکمال پشتیبان فرم است. این اما حرف تازه‌ای نیست، فرم‌گرایی گلستان و نگاه و دغدغه‌های مدرنش را علاقمندان جدی آثار او و هم‌نسلانش خوب می‌شناسند. گلستان، چه با قلم و چه با دوربین، ساختمان داستان را در مرکز کار قرار می‌دهد و البته که با گوشهٔ چشمی به محتوا کار را پیش می‌برد.

ماهی و جفتش، که خیلی زود ۵۵ سالگی‌اش را باید جشن گرفت، داستان کوتاه، و شاید با استانداردهای زمان آفرینشش، داستان مدرن بسیار کوتاهی است که در آن شاهد پیروزی گلستان فیلم‌ساز بر دو رقیب دیگرش هستیم. مدرن است چون نه مرد پشت شیشه و نه گلستان دوربین به‌دست و نه ما هیچ‌کدام خیالمان راحت نیست و به‌دنبال جفت یا همدم یا همزاد یا دستاویز دیگری می‌گردیم که تا با بودنش و رقصش خیالمان را راحت کند، و بتوانیم بلند و باافتخار به خودمان و عالم‌وآدم بگوییم یکی هست، همدم و همراه و هم‌رقصی هست که بودنش همیشگی است و بی‌تغییر.

ماهی و جفتش داستان آرمان‌خواهی‌ای است که به وهم می‌رسد، داستان دیدن آن‌چیزی که دلمان می‌خواهد و نه آن‌چیزی که واقعاً هست، داستان شنیدن و اندیشیدن به‌پسند خودمان، داستان رویای محالی که حتی اگر بفهمیم وهم بوده و خیال، رهایش نمی‌کنیم و جایی دیگر دنبالش می‌رویم، تا بدون مزاحمت نگاههای گزندهٔ واقع‌بین با خیال راحت در آن غرق شویم. از همان پاراگراف اول داستان، نویسنده با تکرارها و تأکیدهای سرد و موثرش میخکوبمان می‌کند، مثلاً تأکید بر وجود شیشه و این‌که روشنایی، سرد و تاریک است، پس امکان دارد خیلی چیزها را نشود دقیق و درست دید. مردی از پشت شیشه ماهیهای آرام و آویزان را تماشا می‌کند و پیش چشمش فضایی نیم‌تاریک و غارمانند هم هست و نوری که دیده نمی‌شود اما اثرش هست، هرچند سرد و تاریک ـ که اینها را همه دوربین گلستان فیلم‌ساز نشانمان می‌دهد. مرد پی نور و منبع نور نیست، و خودش را دل‌مشغول نیم‌تاریکی و غارمانندی فضا هم نمی‌کند، حتی آویزان‌بودن ماهیهایی که باید در آبی آزاد مشغول شنا باشند اما حالا اسیر آکواریم شده‌اند نگرانش نمی‌کند ـ فقط‌وفقط محو تماشای دو ماهی شده که با هم هستند. چیز دیگری درباره‌شان مهم نیست، فقط همین که با هم بودند، مهم است. یکدمی و همسانی و همدمی آنها را مرد نه در زمین و نه در آسمان و نه در آب ندیده، هرگز ندیده. و عجب که حالا، در آبگیر مصنوعی پشت این شیشه، آن‌چه که تا امروز نشدنی و دست‌نیافتنی بود، پیش چشمش تحقق پیدا کرده، امنیت رقص موزون و هماهنگ تا ابد و از اینجا تا ناکجایی در آخر دنیا. خلسهٔ شیرین و امن مرد اما قرار نیست تا ابد ادامه پیدا کند. چشم حقیقت‌بین و دور از وهمی آرام و کاملاً تصادفی به رویای مرد حمله می‌آورد. کودکی که با مادربزرگش به تماشای ماهیها ایستاده، با خونسردی وحشتناکی اعلام می‌کند که ماهیها دو تا نیستند، و یکیش عکسه که تو شیشهٔ اونوری افتاده. مرد، هرچند که برایش دشوار است، ناچار می‌شود آن حقیقت عریان را باور کند اما حاضر نیست تجربهٔ آن خلسهٔ شیرین را به حقیقت بفروشد، و خیلی زود راه فرار را می‌یابد، باید برود به تماشای آبگیرهای دیگر، شاید در آبگیری دیگر دو ماهی را ببیند که با همند، بزرگ نیستند اما با همند. گلستان فریاد می‌زند که وهم همدمی قرار نیست نجاتمان بدهد، اما برخلاف سنت راهنما و پیامبرمسلکی شرقی، راه نجات دیگری هم تقدیممان نمی‌کند و با تهدید یا تشویق جلو رفتنمان را نمی‌گیرد؛ و حتی اشاره می‌کند که آبگیرهای دیگری هم هست، می‌خواهی بروی، برو! و بسیاری از ما، البته شاید قدری خجالت‌زده و پاکشان، همراه مرد روانهٔ آبگیرهای بعدی و بعدی می‌شویم. گلستان همینگوی‌خوان و فاکنرخوان قهاری است و خلق فضای خاص متناسب با داستان را شاید از آنها آموخته‌است. فضای سرد و محدود داستان ماهی‌وجفتش که در عین حال امکان فرار و حرکت را هم به مرد و هم به خواننده می‌دهد نیز از نقاط برجستهٔ کار اوست. بی‌صورتی مرد و پیرزن و کودک نیز به خواننده کمک می‌کند تا با فضا درآمیزد و خود را شانه‌به‌شانهٔ مرد روبه‌روی آکواریم، و حتی نه شانه‌به‌شانه، که درون او ببیند. تکرار کلماتی چون شاید و طرح سؤالات ذهنی مرد در متن خواننده را وادار به فکر می‌کند که آیا خود پاسخی برای تردیدهای مرد دارد یا تنها در تردید او شریک است. اشاره به رستن سبزه‌های نوروزی روی کوزه‌ها به‌ناگاه وجهی خاص و میهنی به میان می‌آورد که البته از دغدغه‌های گلستان است اما فضای جهانی و بی‌مرز داستان را بههم می‌زند؛ گویی نباید از یاد ببریم که مرد پشت شیشه از این آب‌وخاک برخواسته، حال آن‌که سوای این نکته، با وهم انسانی بی‌مرزی روبه‌روییم که هرجای این زمین که رسته‌باشیم، می‌تواند گریبانمان را بگیرد.

یادداشت

آن قدیمها که همه چیز بهتر بود...!

در ادبیات عامه مردم اغلب با حسرت بیان می شود که: ((قدیمها همه چیز بهتر بود..!!)) این جمله را گاهی یک جوان میگوید و گاهی یک کهنسال..

این زمان قدیم چه برهه ای از تاریخ است..؟؟

آیا بخشی از زندگی یک جوان است یا یک فرد مسن..؟؟

آیا محدود به زمان مشخصی میباشد..؟؟

پایان زمان قدیم و آغاز دوران جدید که معیار آن عمومی و در زندگی عامه مردم مورد توجه است، را میتوان از زمان تغییر جدی و شگرف دیدگاهها، باورها و جهان‌بینی انسانها دانست. زمانیکه باورهای جدید خلاف جهت باورهای قدیم سوق پیدا کرد.

وقتی که نگاهها از نقطه ای به نقطه ای دیگر دوخته شد.

اما جالب اینست که دقیقا از تغییرجهت در نگریستن بودکه همه چیز تغییر کرد..!

«دیدگاه» را میتوان «جایی و چیزی که مورد نگاه است» تعبیر کرد.

حال این نگاه و دیدگاه از کجا و توسط چه کسی آغاز گردید؟

نگارنده این سطور، پس از داشتن تجربه ای مشابه «جناب نیوتن» فیزیکدان مشهور، (البته تجربه نگارنده اندکی متفاوت و همچنین تلخ تر از آنچه که برای نیوتن رخ داد، میباشد.)، پس از احساس برخورد چیزی به سر خود، مسیر نگاه را برخلاف نیوتن که ابتدا کنجکاو شد بداند چه چیزی بود و چه جایی افتاد؟! به سمت آسمان برد تا ابتدا بفهمد چه کسی بود و از کجا اینکار را کرد؟!

همین امر موجب کشف وجود پدیده ((دافعه آسمان)) گردید. (البته طرح این نظریه توسط ایشان پس از خارج شدن از حالت کما و به هوش آمدن انجام گردید.) و شاید قدیمی ترها به همین امر آگاه بودند کخ اغلب نگاه هایشان به آسمان بود! برایشان همه چیز از آسمان بود! باورشان هبوط از آسمانها و حسرتشان صعود به آسمانها بود!

تا اینکه «نیوتن» با حماقتی که تداوم یافت، مسیر نگاه را عوض کرد! دیدگاه را عوض کرد! و جهان را که به وسعت آسمان نامعلوم و نامحدود بود را در ابعاد و اندازه کره زمین محدود کرد!

همچون دیوانه ای که چنان سنگی را به چاه می اندازد که درآوردن سنگ از عهده جماعت عاقل هم برنمی آید..!

از منظر علم فیزیک ممکن است پدیده های «جاذبه زمین» و «دافعه آسمان» تفاوت آنچنانی در حصول نتایج علمی بوجود نیاورند اما برای عامه مردم فرضیه مطرح شده جدید که برای اکتشافات علمی شان موردتوجه نبود!، فقط موجب شد نگاهشان را معطوف به زمین کنند و دیگر از آسمان رو برگردانند..!!

کشف نیوتن برای علم فیزیک جاذبه زمین و برای عوام، جذابیت زمین بود..!!

و کشف نویسنده، که برای کسی اهمیت ندارد، دافعه آسمان بود و فهمیدن آنکه خودش و مردم کره زمین، از آسمان رانده شده اند و دلبستگی شان به زمین موجب شده است:

دور بمانند از اصل خویش
و نجویند روزگار وصل خویش

امین فاضلی

تأملی در باب سهل و ممتنع

ساده یا سخت

حسین عبدالوند-همین چند سال پیش، به دنبال مصاحبه‌ای با شاعر و محقق، شمس لنگرودی، حواشی زیادی در جامعهٔ ادبی به‌وجود آمد و خیلی‌ها در مقام مخالف و موافق چیزی نوشتند. نگارنده همان وقت مطلبی را در باب برخی سوءتفاهمات نوشت و در روزنامه‌ای پایتختی چاپ شد. سوتفاهم، یکی دانستن ساده‌نویسی با بحث سهل و ممتنع بود که در این مراودات بیشتر از ساده‌نویسی گفته شد تا از سهل و ممتنع.

ساده‌نویسی در ادبیات ما تجربه‌ای طولانی دارد. در بُندهش، مینوی خرد، مقدمهٔ شاهنامهٔ ابومنصوری، نوروزنامه و... اما منظور ما شعر سهل و ممتنع است...

اجازه می‌خواهم پیش از ورود به تعاریف و مثال‌ها، نگاهی اجمالی به پیشینهٔ سهل و ممتنع در ادبیاتمان بیندازیم.

بوی جوی مولیان آید همی
یاد یار مهربان آید همی

این شعر معروف پدر شعر فارسی را بارها شنیده‌ایم. بعضی از اهل ادب، این شعر را مثال واقعی سهل و ممتنع در شعر فارسی می‌دانند اما جالب است بدانید که در گذشته، از شخص دیگری نام برده می‌شود که فرخی است. در شعر فرخی، بیشتر از رودکی این‌گونه شعر وجود دارد.

رشید وطواط، در معرفی فرخی، او را اهل سیستان و در نواختن چنگ استادمی‌داند. او را هم‌طراز با ابونواس حمدانی اهوازی، شاعر برجسته عرب که البته اصلیت ایرانی داشته و در اهواز ولادت یافته، می‌داند. شاید بهترین مثال، قصیده معروف با این مطلع است:

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر
سخن نو آر که نو را حلاوتی است دگر

که تمام قصیده یکدست و نمونهٔ بارز سهل و ممتنع می‌شود. در بعضی از منابع به تأثیر سعدی از فرخی اشاره شده است. در دوره‌های بعد، سهل و ممتنع در سعدی و حافظ به پختگی می‌رسد. این‌گونه شعر، جسته و گریخته در دیوان اکثر شاعران پارسی‌گوی وجود دارد و تأثیراتش تا ایرج‌میرزا، شاعر متأخر، که او را به مناسبت این تشابه با سعدی قیاس می‌کنند، ادامه دارد. در سخن سهل و ممتنع (ساده و دشوار)، فرم و معنا نسبت به دیگر کاربردهای موجود در شعر، تفاوت دارد. مثلاً اگر به اشعار استاد سخن، سعدی، که شهرت سهل و ممتنع مدیون این بزرگوارادب فارسی است دقت کنیم، به این نکته پی می‌بریم.

محمود عبادیان در تکوین غزل و نقش سعدی، سهل و ممتنع را چنین معرفی می‌کند:

«نوعی زبان اندیشیده و از لحاظ صیقل هنری، زبانی است پرداخته و برخوردار از عنصر گزینه‌گویی... به ایجاز کلام اشاره می‌کند. کلامی که از هرگونه عنصر غیر لازم مبرا باشد، سعدی نه تنها در شعر، که در نثر نیز به این ویژگی پرداخته است:

-پادشاهی پارسایی را دید و گفت: هیچت از ما یاد می‌آید؟ گفت بلی! وقتی خدا را فراموش می‌کنم.

-یکی از ملوک بی‌انصاف، پارسایی را پرسید: از عبادت‌ها کدام فاضل‌تر است: گفت تو را خواب نیمروز، تا در آن یک نفس خلق را نیازاری.

یا در شعر:

بر تخت جم پدید نیاید شب دراز
من دانم آن حدیث که در چاه بیژنم»

شعر سهل و ممتنع، کلمات سخت و نارسا ندارد، به طبیعی‌ترین شیوهٔ ممکن حرف می‌زند امامتنع؛ یعنی، دشوار و غیرقابل‌دسترس است. مخاطب در نگاه اول گمان می‌کند گفتن چنین شعری آسان است ولی درنهایت به دشواری گفتن آن پی‌می‌برد:

گر گدا پیشرو لشکر اسلام بود
کافر از بیم توقع برود تا درچین

از این‌گونه ابیات و غزلیات در شعر سعدی‌زیاد پیدا می‌شود. بازهم بیت:

هر کس که دید روی تو بوسید چشم من
کاری که کرد دیدهٔ من بی‌نظر نکرد

یا غزلی زیبا و معروف با این مطلع:

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم
دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم

اما در شعر سعدی نکته‌ای جالب دیده می‌شود و آن این است که خیلی از ابیات سعدی را می‌شود‌به صورت یک جمله نوشت ولی در این میان، ابیاتی درخور و زیبا وجود دارد که به واسطهٔ ایجاز و ویژگی‌های منحصربه‌فردش نمی‌شود‌به‌صورت یک جمله نوشت:

اول منم که در همه عالم نیامده است
زیباتر از تو در نظرم هیچ منظری

یا:

حسن تو نادر است در این عهد و شعر من
من چشم بر تو و همگان گوش بر منند

کلام این بزرگان از سطح فاصله می‌گیرد. از پیچیدگی‌ها عبور می‌کند و بعد از گذر از ناخالصی‌ها، در ارتفاع به شعری سهل و ممتنع می‌رسد. سعدی با ویژگی‌های منحصر به فرد، که بعد از پاس شناساندن این ویژگی‌ها، توسط بزرگانی مانند محمود عبادیان و ضیاء موحد، محمود فتوحی و... هنوز که هنوز است مخاطب شعر فارسی را به التذاذی همیشگی می‌رساند.

به مناسبت روز قلم

به کجا چنین خرامان

آزاده حسینی ـ عطارد در ادبیات فارسیو ادبیات عربی، «دبیر فلک» نیز خوانده می شود و با نام اروپایی مرکوری در ادبیات افسانه‌ای یونانو روم، خدای سخن‌وری و نویسندگی است.یونانی ها به آن هرمیس یعنی مفسر اراده خدایان می گویند. دهانه‌های برخوردبیسیاره عطارد به نام نویسندگان و هنرمندان مشهور جهان نامیده شده‌اند که در میان آنها نام شاعران زبان پارسیمانند دهانه فردوسی، دهانه نظامی، دهانه رودکینیز مشاهده می گردد. نام سیزدهمین روز هر ماه «تیر» به زبان اوستایی «تیشتریه» است. تیشتر ستاره باران دانسته شده و بر مبنای جشن های تاریخ باستان، سیزدهمین روز ماه تیر؛ با یکی شدن نام روز با نام ماه، جشن تیرگان برگزار می گردید. که روز بزرگداشت نویسندگان بوده و گاه آن را روز «آرش شواتیر» می نامیدند. یعنی همان روزی که آرش بر فراز البرز کوه رفت و با تمام توان خود و همراهی فرشته باد، مرز ایران را تعیین نمود. ابوریحان بیرونی نیز، به دو تیرگان کوچک و بزرگ اشاره دارد؛ که اولی در روز سیزدهم زمان پرتاب تیر؛ و دومی روز چهاردهم هنگامی است که از محل افتادن تیر پیام آوردند. و به روایت ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، سیزدهم تیر روز بزرگداشت مقام نویسندگان در ایران باستان بوده است. و از سویی اشاره شده که «کیخسرو» در همین تاریخ پس از شستشو در آب چشمه، ناپدید شد.

در همین راستا در سال ۱۳۸۱ با پیشنهاد انجمن قلم ایرانو تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴ تیر روز «قلم» نامیده شد. در اشاره به اهمیت قلم می توان به آیه ای از قران استناد نمود که می فرماید: «نَ وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ؛ سوگند به قلم و آنچه نویسند.» و در نخستین کلام وَحی از قلم می گوید: «الَّذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ آن که با قلم آموخت». بزرگان مذهبی نیز بسیار از قلم و اهمیت آن گفته اند؛ از جمله در عبارتی منسوب به امام صادق (ع) می خوانیم: «القَلْبُ یَتَّکِلُ عَلَی الکِتابَة .دل، به نوشتن آرام می گیرد». و در گفتاری از امام علی (ع) داریم که «عقل نویسنده به قلم اوست».

قلم با پیشینه ی تاریخی اش که بسیار تغییر شکل داده و همچنان قلم است می تواند آرامشی باشد و پای صلحنامه ها را امضا کند؛ یا استمرار جنگ ها را دامن زند. از روزگار نوشتن بر پوست آهو ها تا روزگاری که «شاعر می شوی و خیال تو یعنی حکومت دوست»که شاعر بشوی، به ایوان بروی و «دستت را بر پوست کشیده ی آهو ها» بکشی. از گستره خودکار بیک و مداد شمشیر نشان و استدلار هم عبور کنی و حالا دلت برای قلم تنگ می شود و قلم دلش برای دستی که از نوشتن، شکل دیگر می گرفت. حالا دنیای مجازی هاست. حرف ها و گفتگو ها را تایپ می کنیم. اما نه «سر زلف سخن را به قلم شانه زدند»، پس می نویسیم. کسی که می نویسد، «نویسنده» است، آیا؟ حالا همه نویسنده شده ایم. آن ها که دستشان «بر پوست کشیده ی آهو ها» سُر می خورد و آن ها که خود پوست کشیده ی آهو ها هستند؛ از قلم بیشتر می دانند و دریغا سکوتی و سری سبز که به باد نخواهد رفت. او که می نویسد می تواند انقلابی به پا کند. پس اگر ببیند و قلم در دست هایش مجسمه ای باشد، انقلابی تا ابد خوابیده خواهد مرد. رسالت و اصالت «قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز» همواره از نادانی ما کاهد و با آگاهی همسوتر است. تمامی علوم را در خود دارد و جامعه های پیشرفته تر همواره بر قلم نویسنده، شاعر و هنرمندان خود پا برجاست. «چون قلم اندر نوشتن می شتافت / چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت»

اگر فقر دانستن در دنیای قلم امروز بیداد می کند، چه کسی مسئول است. اگر ما خود مسئول نادانی خود هستیم، پس چرا دانایی ها مان را باید قدردان آموزگار مهربان باشیم و او که خطی به ما آموخت؟ مگر نه اینکه «اول ز تحت و فوق وجودم خبر نبود/ در مکتب غم تو چنین نکته دان شدم»؟ پس مکتب غم او که از قلم بیشتر می داند چرا دور نشسته و این بی خبری ها را به تماشا سری اگر نه که به تائید، به سکوت می سپارد؟ نام نویسندگان ما در سیاره ی تیر «دبیر فلک» ثبت شده و ما اینجا روی زمین دیگر نامی بیشتر نمی دانیم که از این ها. قشر نویسنده مخاطب خاص دارد و کاری نمی کند که اجتماع پیرامونش از عام بودن گامی فراتر نهد. حالا کار به جایی رسیده که «مخاطب غیر خاص»، دیگر شعر شاعران خاص را نخوانده یا کمتر می خواند. و چون مدام بی خبر می ماند از وجود شاعران؛ (که جشنواره ها و نشست های تخصصی می گیرند با حضور بیست تا از فقط خودشان) خود دست به قلم می شود و می نویسد و دست چندمی ترین شعر سهراب می شود «صبح شما بخیر». و شب به خیری با بهترین شعر حمید مصدق که احتمالا ترکیبی از سه تا پنج شاعر آرمیده است. می شود از حافظه جمعی کمک بگیریم که بی گمان اشعار نغز حافظ شیراز یکی از آن هاست. درک و مطالعه شعر و متون اصیل، در بالا بردن سلیقه هنری بسیار یاری رسان خواهد بود. اگر هر معلم یا استاد دانشگاه، با هر تخصص تدریسی، آغاز هر جلسه کلاس خود پنج دقیقه، فقط پنج دقیقه را به خوانش شعری از حافظ بپردازد. طی یک سال تحصیلی پیشرفت چشم گیری خواهد داشت. از نسلی که می پروانیم، یکی باید باشد که شعر ما را بخواند، یکی که شعرهای سهراب سپهری و شاملو را از روی اصل خوانده، نه از روی کپی نابرابر اصل.